



The Role of Citizen Diplomacy in Enhancing Women's Political Participation in Tehran

Marzieh Ahmadpour

Ph.D. Candidate in Political Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Email: Marzeh.ahmadpour1402@gmail.com

Yaser Sheikhveisi

Ph.D. Graduate in Social Issues of Iran, University Lecturer, Tehran, Iran

Abstract

Today, one of the most significant indicators of political development in all societies is the concept of women's political participation, and understanding the factors influencing it—including citizen diplomacy—is of paramount importance. Citizen diplomacy refers to activities in the fields of information exchange, education, and culture, aimed at fostering greater familiarity among nations, particularly those embroiled in disputes, to promote mutual understanding and the attainment of shared perspectives and values. Accordingly, this research has been conducted to examine and identify the effects of citizen diplomacy on women's political participation. This study is applied in nature and has been carried out using a survey method. The statistical population consisted of all women (aged 18 and above) in Tehran, from which a sample size of 385 individuals was selected through multi-stage cluster sampling based on Cochran's formula. Data collection was conducted using a researcher-made questionnaire, and the analysis was performed using SPSS 23, LISREL, and descriptive and inferential statistics. The findings indicate a significant relationship between presenting a positive and favorable image of the country, participating in peacebuilding and conflict-resolution activities, and women's political participation. Moreover, citizen diplomacy has a measurable impact on the political participation of women in Tehran.

Keywords: Citizen Diplomacy, Participation, Political Participation.





سال اول، شماره اول (پیاپی ۱)، تابستان ۱۴۰۱، صص. ۱۰۷-۱۲۸
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵

مقاله پژوهشی

نقش دیپلماسی شهروندی در مشارکت سیاسی زنان در شهر تهران

مرضیه احمدپور

دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: Marzeh.ahmadpour1402@gmail.com

یاسر شیخویسی

دانش آموخته دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، مدرس دانشگاه، تهران، ایران.

چکیده

امروزه از شاخص‌های مهم توسعه سیاسی در همه جوامع، مفهوم مشارکت سیاسی زنان است که شناخت عوامل مؤثر بر آن از جمله دیپلماسی شهروندی، حائز اهمیت است. دیپلماسی شهروندی فعالیت‌هایی در زمینه‌های تبادل اطلاعات، آموزش و فرهنگ، با هدف آشنایی بیشتر ملت‌ها به‌ویژه ملت‌های درگیر اختلاف و به‌منظور حسن تفاهم و دستیابی به دیدگاه‌ها و ارزش‌های مشترک میان آنان است که بر این اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی و شناخت تأثیرات دیپلماسی شهروندی بر مشارکت سیاسی زنان انجام گرفته است. این تحقیق از نوع کاربردی بوده و به روش پیمایشی انجام پذیرفته است. جامعه آماری کلیه زنان (۱۸ سال و بالاتر) در شهر تهران بوده که بر اساس فرمول کوکران ۳۸۵ نفر به‌عنوان حجم نمونه به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. گردآوری اطلاعات با استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته و با استفاده از SPSS 23 و لیزرل و آماره‌های توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل اطلاعات انجام شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که بین ارائه تصویری مثبت و مطلوب از کشور و همچنین مشارکت در فعالیت‌های صلح‌طلبانه و حل تعارضات در مشارکت سیاسی زنان رابطه معنی‌داری وجود داشته و دیپلماسی شهروندی در مشارکت سیاسی زنان شهر تهران تأثیرگذار است.

کلیدواژه‌ها: دیپلماسی شهروندی، مشارکت، مشارکت سیاسی.

شاپا الکترونیک: ۹۹۷۲-۳۰۴۱ ♦ شورای عالی نظریه‌پردازی، نقد و مناظره ♦ فصلنامه نظریه‌پردازی راهبردی

<https://theory.sndu.ac.ir/> E-ISSN: 3041-9972



صحت مطالب بر عهده نویسنده مقاله است؛ همچنین آرا و مفاهیم نظری مقاله بیانگر دیدگاه دانشگاه عالی دفاع ملی یا تأیید شورای عالی نظریه‌پردازی، نقد و مناظره نیست.



مقدمه

می‌توان گفت یکی از شاخص‌های مهم توسعه سیاسی در همه جوامع، مفهوم مشارکت سیاسی و آن هم در بستر رسانه‌ها و تعامل رسانه‌ای با استفاده از شبکه‌های مجازی و غیرمجازی است. از دیدگاه اندیشمندان مختلف، همچون هانتینگتون و لرنر، توسعه اجتماعی تأثیر قابل توجهی بر توسعه سیاسی داشته و به عقیده آنان بی‌شک بدون دستیابی به توسعه اجتماعی، این مهم میسر نخواهد بود. مشارکت سیاسی به‌عنوان یکی از معیارهای دموکراسی امروزه بسیار مورد توجه قرار گرفته است و عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مختلفی در راستای توسعه اجتماعی بر آن تأثیرگذار بوده و هستند. در این میان مفهوم دیپلماسی شهروندی که با توجه به آن شهروندان به‌عنوان نمایندگان غیررسمی کشورشان در زمینه روابط خارجی ایفای نقش می‌کنند، یکی از مفاهیم مهم در حیطه تعاملات و دیپلماسی سیاسی است. این مفهوم که با گسترش استفاده افراد از رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی، وارد مرحله‌ای جدید و گسترده‌ای شده است، تاکنون کمتر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. دیپلماسی شهروندی مفهومی است که دربرگیرنده دو بخش است: بخش شهروندی، که غیررسمی و مستقل از دولت است و در جهت منافع فرد فعالیت می‌کند و بخش دیپلماسی، که چهارچوبی برای همکاری میان کشورها را شامل می‌شود. امروزه یکی از علل مهم بحران‌های سیاسی بین‌المللی، نبود یا کمبود مراوده و ارتباط بین مردم جهان است. در دیپلماسی شهروندی، شهروندان از حق برقراری ارتباط با شهروندان جوامع دیگر برخوردار هستند تا بتوانند به دیدگاه‌های مشترک برسند و یا تأثیرات نامطلوب ناشی از سیاست‌های خارجی نادرست برخی دولت‌ها را از بین ببرند. از این رو برقراری ارتباط در چهارچوب دیپلماسی شهروندی برای توسعه روابط انسانی، رفع اختلاف‌ها، از بین بردن بی‌اعتمادی‌ها و دشمنی‌ها و افزایش انواع مشارکت‌ها در سطح جوامع و ایجاد تفاهم در جوامع مختلف دنیا و درون جامعه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بر طبق دیدگاه ملیسن، دیپلماسی شهروندی فعالیت‌هایی در زمینه‌های تبادل اطلاعات، آموزش و فرهنگ با هدف آشنایی بیشتر ملت‌ها به‌ویژه، ملت‌های درگیر اختلاف و به‌منظور حسن تفاهم و دستیابی به دیدگاه‌ها و ارزش‌های مشترک میان آنان است تا به این وسیله، بتوان علاوه بر ایجاد تصویری مطلوب از کشور متبوع خود در افکار عمومی با استفاده از تعامل رسانه‌ای، در نهایت بتواند در جهت‌گیری‌های سیاسی سایر کشورها نسبت به یکدیگر تأثیرگذار باشد (Melissin, 2009). دیپلماسی شهروندی همچنین با این ایجاد ارتباط دوسویه به نظر می‌تواند زمینه افزایش آگاهی‌ها و مشارکت سیاسی شهروندان را



افزایش دهد و مطالعه دیپلماسی شهروندی و نقش آن در حوزه‌های مختلف سیاسی در کشورها از اهمیت و ضرورت ویژه‌ای برخوردار است. به نظر وجود دیپلماسی شهروندی با شاخص‌هایی مانند ارائه تصویری مثبت و مطلوب از کشور، حسن تفاهم و دستیابی به دیدگاه‌ها و ارزش‌های مشترک، مشارکت در فعالیت‌های صلح‌طلبانه و حل تعارضات و تبادل و تسهیم اطلاعات با کمک تعاملات رسانه‌ای می‌تواند بر بسیاری از حوزه‌های مهم در امور سیاسی کشورها از جمله بر مشارکت سیاسی شهروندان تأثیرگذار باشد. بنابراین شناخت نقش دیپلماسی شهروندی در مشارکت سیاسی زنان می‌تواند به‌عنوان مسئله‌ای مهم مطرح باشد. در این زمینه «فردیناند بولر»^۱ (۲۰۱۴) با بررسی نقش دیپلماسی شهروندی در مشارکت سیاسی عنوان می‌کند که جهانی‌شدن باعث به وجود آمدن فرصت‌ها و چالش‌های فرا مرزی و به تبع آن مفهوم حکمرانی جهانی با ایفای نقش دیپلماسی شهروندی شده است و این امر باعث ظهور بازیگران جدید بین‌المللی در قالب سازمان‌ها، نهادها و انجمن‌های بین‌المللی مدنی در عرصه جهانی شده که شهروندان را به سمت مشارکت سیاسی در عرصه‌های ملی و بین‌المللی سوق می‌دهد. همچنین کیا (۱۳۹۲) با بررسی دیپلماسی شهروندی و فعالیت دیپلماتیک شهروندان تهرانی عنوان می‌کند بین تلاش در جهت بهبود تصویرسازی از کشور به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های دیپلماسی شهروندی و مشارکت سیاسی رابطه معناداری حاصل شده است.

مفهوم مشارکت سیاسی امروزه به‌عنوان مهم‌ترین شاخص توسعه سیاسی ملت‌ها به امری گریزناپذیر تبدیل شده است و یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مشروعیت هر نظام سیاسی محسوب می‌گردد.

به لحاظ مفهومی، مشارکت سیاسی ناظر بر نقش و همکاری مردمی در پیدایش و استحکام مراکز قدرت، نحوه اعمال قدرت، نظارت عمومی بر حسن انجام وظایف در تمام فرایند و شئون قدرت است (کرمی، ۱۳۹۷: ۴۴۵).

بسیاری از پژوهشگران، درباره اهمیت مشارکت سیاسی به‌مثابه یک عامل اساسی در تضمین سلامت دموکراسی‌های مدرن اظهار نظر کرده‌اند. گرچه مشارکت در امور سیاسی برای اولین بار حدود دویست سال پیش از طریق حق انتخاب، صرفاً برای مردان، رواج یافت؛ اما مشارکت زنان در سیاست در مقایسه با مردان به‌گونه‌ای متفاوت بوده است، زیرا زنان با تأخیری صدساله به حق رأی

1. Ferdinand boller

و مشارکت در سیاست دست یافتند. امروزه با وقوع تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی در جوامع و با توجه به رشد و توسعه سیاسی- اجتماعی، گسترش آموزش و پرورش و وسایل ارتباط جمعی، نحوه و میزان فعالیت زنان در ابعاد مختلف تحول یافته است؛ اما با این وجود، آنچه بدیهی می‌نماید این است که کماکان درصد مشارکت سیاسی زنان در امور سیاسی و اجتماعی کمتر از مردان است (رضایی، ۱۳۹۰: ۱۲۲).

می‌توان گفت زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت کشور و نقش گسترده خود در فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی و شغلی و رسانه‌ای، یکی از ارکان مهم و قابل توجه در مشارکت سیاسی و در نتیجه توسعه سیاسی جوامع مختلف می‌باشند. با توجه به نقش مشارکت سیاسی در توسعه اجتماعی و سیاسی هر جامعه، پرداختن به عوامل تأثیرگذار بر این مهم در جهت افزایش آن در میان آحاد افراد جامعه از اهمیت خاصی برخوردار است. حال با توجه به مطالب بیان شده و اهمیت دیپلماسی شهروندی در گسترش ارتباطات و تبادل اطلاعات در خصوص امور سیاسی با افراد در داخل و خارج کشور، مسئله مهم و اساسی که به‌عنوان دغدغه محقق نیز مطرح است این است که دیپلماسی شهروندی و گسترش آنچه نقشی می‌تواند در افزایش مشارکت سیاسی زنان با تأکید بر تعاملات رسانه‌ای ایفا نماید. لذا این مسئله مطرح است دیپلماسی شهروندی چه نقشی در مشارکت سیاسی زنان شهر تهران با تأکید بر تعاملات رسانه‌ای دارد؟ در این زمینه پرداختن به مسائل زیر به‌عنوان هدف دارای اهمیت است:

- ❖ بررسی میزان تأثیر ارائه تصویری مثبت و مطلوب از کشور در مشارکت سیاسی زنان با تأکید بر تعاملات رسانه‌ای؛
- ❖ بررسی میزان تأثیر حسن تفاهم و دستیابی به دیدگاه‌ها و ارزش‌های مشترک در مشارکت سیاسی زنان با تأکید بر تعاملات رسانه‌ای؛
- ❖ بررسی میزان تأثیر مشارکت در فعالیت‌های صلح‌طلبانه و حل تعارضات در مشارکت سیاسی زنان با تأکید بر تعاملات رسانه‌ای.

۱. مبانی نظری

مشارکت سیاسی پدیده‌ای پیچیده و دارای ابعاد متفاوت است؛ بر همین اساس به روش‌های متفاوتی قابل تعریف است. بنا بر تعریف هانتینگتون مشارکت سیاسی فعالیت خصوصی شهروندان به قصد

تأثیرگذاری بر فرایندهای تصمیم‌گیری دولت است (قاسمی، ۱۳۹۳: ۱۲۷). محققان از سطوح مشارکت سیاسی به عنوان سلسله مراتب سیاسی نام می‌برند که بیانگر عمق مشارکت سیاسی است. میلبراث و راش مدل‌هایی را ارائه می‌دهند، که به عقیده آنان همه انواع و طیف‌های مشارکت سیاسی در هر نوع نظام سیاسی را در برمی‌گیرد. در این مدل داشتن مقام سیاسی و اجرایی در بالاترین سطح و رأی‌دادن در پایین‌ترین سطح مشارکت سیاسی قرار دارد (پالیزان، ۱۳۹۰: ۳۵).

برای تبیین مشارکت سیاسی و اصولاً هرگونه رفتار سیاسی در کلی‌ترین سطح، دو دیدگاه رقیب وجود دارد: «انتخاب عاقلانه» و «مکتب جامعه‌شناختی». در مکتب انتخاب عاقلانه که آنتونی داونز مهم‌ترین نظریه‌پرداز آن است، هرگونه رفتار سیاسی حاصل تصمیم فردی بازیگر است که به طور عاقلانه از میان گزینه‌های مختلف که در یک وضعیت خاص پیش روی اوست گزینه‌ای را انتخاب کند که به بهترین نحو اهداف او را تأمین می‌نماید (Rush, 2015)؛ اما در مکتب جامعه‌شناختی، عمل فردی و گروهی برگرفته شده از ارزش‌ها و هنجارهای موجود در جامعه است؛ بنابراین تحلیل مشارکت سیاسی در پرتوی مطالعه عواملی چون شرایط جامعه‌پذیری سیاسی افراد، فرهنگ سیاسی، سیستم‌های گروهی و سایر شرایط مربوط به محیط اجتماعی امکان‌پذیر می‌شود (سیدامامی، ۱۳۸۶: ۶۵). از نظر هانتینگتون در جریان نوسازی در جوامع جهان سوم است که تضاد بین توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی و اجتماعی شکل می‌گیرد. یعنی همه ابعاد توسعه با یکدیگر رشد نمی‌کنند و توسعه سیاسی نسبت به توسعه اقتصادی و اجتماعی دچار عقب‌ماندگی می‌شود و در فرایند نوسازی اختلال به وجود می‌آید. یکی از معیارهای توسعه سیاسی، مشارکت سیاسی است (پناهی، ۱۳۸۸: ۳۰). بنابر نظریه بسیج اجتماعی که به نام کارل دویچ ثبت شده، نیز عناصر فرایند نوسازی به تغییرات مشارکتی منجر می‌شوند. دویچ ترکیب پیچیده‌ای از ویژگی‌های فرایند نوسازی را پیشنهاد کرده و آن را بسیج اجتماعی نامیده است. «رابرت دال»^۱ نیز در زمره کسانی است که توسعه سیاسی را مقدم بر توسعه اقتصادی می‌داند. از نظر وی فقط نظام دموکراسی است که می‌تواند زمینه مشارکت واقعی را برای شهروندان خود به وجود آورد. او معتقد است بین میزان اثربخشی سیاسی و میزان مشارکت سیاسی رابطه مستقیم وجود دارد. یعنی به هراندازه که میزان اثربخشی سیاسی بیشتر شود، میزان مشارکت سیاسی شهروندان نیز بیشتر می‌شود و بالعکس؛ در رابطه با تأثیر فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی میلبراث و گوئل در کتاب مشارکت سیاسی خود عنوان می‌کنند که نظام سیاسی و فرهنگ سیاسی

1. Robert Dahl



در رفتار سیاسی شهروندان مؤثر است و لذا تفاوت در الگوهای رفتار سیاسی از فرهنگی به فرهنگ دیگر را طبیعی فرض می‌کند (Milbrath and Goel, 2016). همچنین میلبراث و گوئلدر تبیین مشارکت سیاسی از هفت عامل عمده نام می‌برند. این عوامل عبارتند از: محرک (انگیزه سیاسی)، موقعیت اجتماعی، ویژگی‌های شخصی، محیط سیاسی، مهارت، منابع و تعهد (Rush, 2015). در این راستا آلموند و پاول از نظریه اجتماعی شدن سیاسی برای تشریح فرهنگ سیاسی پنج کشور استفاده کردند. آن‌ها به تأثیر سه نهاد اجتماعی‌کننده یعنی خانواده، مدرسه و شغل بر روی میزان مشارکت سیاسی اشاره می‌کنند و به این نتیجه می‌رسند که این سه نهاد، در نهادینه کردن الگوی مشارکتی در همه جوامع نقش مهمی بر عهده دارند، و هرچه فرد در درون این سه نهاد سابقه مشارکتی بیشتری داشته باشد، در مراحل بعدی زندگی مشارکت سیاسی بیشتری دارد و جامعه از نظر فرهنگ سیاسی به فرهنگ سیاسی مشارکتی نزدیک‌تر می‌شود (Almond and Powell, 2013). همچنین لیپست، جامعه‌شناس آمریکایی مشارکت سیاسی را از جمله شروط دموکراسی می‌داند و معتقد است در هر دموکراسی باید فرصت‌های مشارکت برای شهروندان وجود داشته باشد تا بتوانند در امور سیاسی خود دخالت کنند. وی برای تبیین مشارکت سیاسی شهروندان عنوان می‌کند که آنان باید به‌نوعی آگاهی سیاسی و دانش سیاسی داشته باشند.

بر اساس نظریات جیرینت پری نیز باید سه جنبه از مشارکت سیاسی یعنی شیوه مشارکت، شدت و کیفیت آن را بررسی کرد. منظور وی از شیوه مشارکت این است که مشارکت چه شکلی به خود می‌گیرد؛ آیا رسمی است یا غیر رسمی و استدلال می‌کند که شیوه مشارکت بر طبق فرصت، میزان علاقه، منابع در دسترس فرد و نگرش‌های رایج به مشارکت در جامعه و به‌ویژه اینکه آیا مشارکت تشویق می‌شود یا نمی‌شود فرق دارد. منظور از شدت، سنجش تعداد افرادی است که در فعالیت‌های معین شرکت می‌کنند و هم تعداد دفعات مشارکت آنان است که باز هم ممکن است بر طبق فرصت‌ها و منابع فرق کند. کیفیت به میزان اثربخشی که در نتیجه مشارکت به دست می‌آید و سنجش تأثیر آن بر کسانی که قدرت را اعمال می‌کنند و نیز بر سیاست‌گذاری‌ها مربوط می‌شود. کیفیت هم بر طبق فرصت‌ها و منابع از جامعه‌ای به جامعه دیگر و از موردی به مورد دیگر فرق می‌کند (Rush, 2015).

در انتها می‌توان به مدلی که مایکل راش ارائه می‌دهد و به نظر وی همه انواع و طیف‌های مشارکت سیاسی در هر نوع نظام سیاسی را در برمی‌گیرد اشاره کرد. این رتبه‌بندی از بالا به پایین به ترتیب شامل داشتن مقام سیاسی یا اجرایی، جست‌وجوی مقام سیاسی یا اجرایی، عضویت فعال در یک سازمان



سیاسی، عضویت فعال در یک سازمان شبه سیاسی، مشارکت در اجتماعات عمومی، تظاهرات و غیره، عضویت انفعالی در یک سازمان سیاسی، عضویت انفعالی در یک سازمان شبه سیاسی، مشارکت در بحث‌های سیاسی غیررسمی، اندکی علاقه به سیاست، رأی دادن و درگیر نشدن در سیاست است.

همچنین در حوزه نظریه‌های مرتبط با دیپلماسی شهروندی می‌توان گفت دیپلماسی را می‌توان هنر ایجاد ارتباط میان ملت‌ها و با هدف مدیریت روابط آن‌ها نامید، که می‌تواند توسط دیپلمات‌های رسمی و نمایندگان دولتی یا بازیگران غیردولتی انجام شود. تا زمانی که دولت‌ها یگانه کارگزار عرصه روابط بین‌الملل بودند، یک نوع دیپلماسی و آن هم دیپلماسی رسمی در عرصه روابط بین‌الملل وجود داشت، اما با پیچیده‌تر شدن شرایط بین‌المللی بازیگران دیگری مانند سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های چند ملیتی، گروه‌های انسانی، سازمان‌های غیر انتفاعی و مواردی از این قبیل به عرصه دیپلماسی راه یافتند و در آن به ایفای نقش پرداختند. پدیده‌های جهانی شدن، ورود اینترنت به عرصه ارتباطات و تخریب گسترده محیط زیست نیز از عوامل مهم در تغییر شکل دیپلماسی به حساب می‌آیند (Fraser, 2012).

گونه‌های دیپلماسی شهروندی نیز متفاوتند. یکی از این گونه‌ها دیپلماسی شهروندی مستقل است. در آن دسته از کشورهایی که دولت از مشروعیت لازم در میان مردم کشور برخوردار نیست، نوع دیگری از دیپلماسی شهروندی در جریان است که فعالیت‌های آن در راستای فعالیت‌های رسمی دیپلماتیک آن کشور انجام نمی‌گردد و در تقابل با آن است. این امر به‌ویژه در نظام‌هایی قابل مشاهده است که رفتارها و اقدامات یک نظام سیاسی در صحنه سیاست بین‌الملل، ارتباطی به منافع ملی کشور و مردم آن نداشته باشد؛ بلکه اقدامات مزبور صرفاً از خواسته‌ها و منافع گروهی از اقلیت سرچشمه می‌گیرد که برای حفظ موقعیت خویش، آن را بر اساس منافع ملی توجیه می‌کنند. در چنین شرایطی، شهروندان عادی تلاش می‌کنند تا با استفاده از ابزارها و وسایل گوناگون از جمله ابزارهای ارتباطی، با شهروندان کشورهای دیگر ارتباط برقرار کنند تا علاوه بر ارائه تصویری مطلوب از کشور متبوع خود در اذهان عمومی، در نهایت بتوانند بر جهت‌گیری سیاسی سایر کشورها نسبت به کشور خود تأثیرگذار باشند (سلیمی، ۱۳۹۲: ۷۹).

از نظر دایانا چیاگاس (۲۰۰۳) دیپلماسی شهروندی، به ارتباط غیر رسمی بین مردم کشورهای مختلف اطلاق می‌شود که با روابط رسمی میان نمایندگان دولت‌ها در تقابل است. این ارتباط می‌تواند به‌طور مستقیم و در طی فعالیت‌های مختلف و یا در شرایط فراهم آمده توسط گروه‌های غیر رسمی

غیردولتی نظیر گروه‌های صلح‌طلب، محققان و یا هر سازمان واسطه غیر رسمی دیگری انجام پذیرد (Chiagas, 2003).

«مونتویل»^۱ (۲۰۱۶) نیز عنوان می‌کند در شرایطی که ارتباطات رسمی و دیپلماتیک میان کشورها، و یا دولت و یک گروه شورشی، به کلی قطع شده باشد، کانال‌های غیررسمی اغلب می‌توانند به‌طور مؤثری به ایفای نقش بپردازند.

«جان ملیسین»^۲ معتقد است دیپلماسی شهروندی یکی از حلقه‌های کوچک در زنجیره پیرامون سیاست خارجی است که از یک سو با دیپلماسی عمومی و از سوی دیگر با دیپلماسی رسانه‌ای در ارتباط است. بر این اساس، دولت می‌تواند از اتباع و شهروندان فعال خود در خارج از کشور برای پیشبرد منافع ملی و دفاع از امنیت ملی خود استفاده کند. به عبارت دیگر، دیپلماسی شهروندی به پیوند دولت با شهروندان فعال خارج از کشور اشاره دارد. بنابراین، هر چه اتباع یک کشور در خارج فعال‌تر بوده و تمایل آن‌ها برای همکاری با کشور مادری‌شان بیشتر باشد، آن کشور از دیپلماسی شهروندی فعال‌تری برخوردار است. از آنجا که هسته نظریه دیپلماسی عمومی «ارتباطی هدایت‌شده با افراد خارجی به‌منظور تأثیر گذاشتن بر افکار آنان و سرانجام، تأثیر گذاشتن بر دولت‌های آن‌هاست». همچنین بنا بر نظر بابلا دولت‌ها می‌توانند از طریق سرمایه‌گذاری در آموزش شهروندان به‌ویژه آموزش فرهنگ‌های ملی و خارجی، شهروندان دیپلمات موفق‌تر پرورش دهند (کیا، ۱۳۹۲: ۲۱۲).

بنا بر عقیده برگس (۲۰۰۳) ارزیابی نقش دیپلماسی شهروندی به دلیل تأثیرگذاری آن بر عوامل غیرعینی نظیر نگرش‌ها و روابط، کار مشکلی است. از نظر وی مدیریت تعارضات رسمی، گاهی اوقات غیرقابل انجام و اجراست؛ زیرا مباحثه‌کنندگان کاملاً با هم بیگانه هستند، رهبران تمایلی به تغییر شرایط ندارند و مباحثه ممکن است با منازعات بیشتری درهم‌تنیده شود. در چنین شرایطی، اگر میانجیگران غیررسمی، در یک زمینه غیررسمی با یکدیگر ملاقات (دیدار) داشته باشند، می‌تواند سودمند واقع گردد؛ چنین گفت‌وگوهایی گاهی می‌تواند منجر به توافقات جدیدی شود و رویکردهای ابتکاری تولید کند که در فرایندهای رسمی مذاکرات، مورد اقتباس قرار گیرد (Burgess, 2013). در این راستا، آنا داوسون (۲۰۱۱) نیز عنوان می‌کند دیپلماسی شهروندی روشی است که در آن افراد به‌عنوان نماینده غیر رسمی کشور خودشان ایفای نقش می‌کنند. اغلب خاطره ماندگار دیدارهای چهره به چهره میان فردی با مردمی از کشورهای دیگر، باعث افزایش درک دو جانبه

1. Montville
2. John Melisin

می‌گردد و مردمی که سوابق تفاوت دارند می‌توانند ارزش‌ها و منافع مشترکی پیدا کنند و حتی احساسات منفی نسبت به یکدیگر را نیز کاهش دهند. دیپلماسی شهروندی می‌تواند کاملاً مستقل از فعالیت‌های دیپلماسی رسمی باشد (Dawson, 2011).

۲. روش‌شناسی

این تحقیق از نوع کاربردی بوده و به روش پیمایشی انجام شده است. در این تحقیق کلیه زنان شهر تهران به عنوان جامعه آماری تحقیق مد نظر می‌باشند. برای تعیین حجم نمونه جامعه آماری مورد نظر از فرمول «کوکران»^۱ استفاده شده است که بر این اساس تعداد حجم نمونه ۳۸۴ نفر است. همچنین از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به منظور انجام نمونه‌گیری استفاده شده است. بدین منظور ابتدا شهر تهران به مناطق ۲۲ گانه شهرداری به عنوان خوشه اول (به شرح جدول زیر) تقسیم‌بندی گردیده است.

جدول ۱: خوشه اول در نمونه‌گیری خوشه‌ای

منطقه ۱	منطقه ۲	منطقه ۳	منطقه ۴	منطقه ۵	منطقه ۶	منطقه ۷	منطقه ۸	منطقه ۹	منطقه ۱۰
منطقه ۱۱	منطقه ۱۲	منطقه ۱۳	منطقه ۱۴	منطقه ۱۵	منطقه ۱۶	منطقه ۱۷	منطقه ۱۸	منطقه ۱۹	منطقه ۲۰
منطقه ۲۱	منطقه ۲۲								

سپس نسبت به انتخاب چهار منطقه به صورت تصادفی ساده از بین مناطق ۲۲ گانه اقدام گردید که بر اساس نمونه‌گیری انجام شده مناطق ۲، ۶، ۱۴ و ۱۷ انتخاب شدند. سپس در منطقه انتخاب شده با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده تعداد ۳۸۴ نفر انتخاب شد.

ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه محقق‌ساخته و روش اسنادی بوده که در خصوص روایی و پایایی در این پژوهش از «اعتبار صوری» پرسش‌نامه استفاده شده است. منظور از اعتبار صوری، شناسایی اعتبار شاخص‌ها از طریق مراجعه به داوران است. به همین منظور سعی گردید برای سنجش

متغیرها از گویه‌هایی استفاده شود که اساتید مجرب بر آن‌ها تأکید دارند. لذا بعد از تنظیم پرسش‌نامه و مصاحبه، به رؤیت این اساتید و متخصصان مربوطه رسانده و رفع اشکال شد. برای سنجش میزان پایایی پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید. بنابراین قبل از گردآوری داده‌ها، به‌منظور اطمینان از پایایی پرسش‌نامه، پیش آزمون روی ۱/۱۰ جامعه آماری که ۳۸ نفر انجام گرفت. میزان آلفای کرونباخ پرسش‌نامه ۰/۷۴ بوده که بالای ۰/۷ و نشان‌دهنده اعتبار پرسش‌نامه و بالا بودن همسازي و پایداری درونی گویه‌ها است.

۳. یافته‌های پژوهش

در بخش یافته‌های پژوهش برای آزمون میانگین نمرات شاخص‌ها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است.

جدول ۲: ضریب همبستگی بین دیپلماسی شهروندی و مشارکت سیاسی

مؤلفه‌ها	مشارکت سیاسی	
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۵۲۳	دیپلماسی شهروندی
سطح معناداری	۰/۰۰۱	
تعداد	۳۸۴	

جدول ۳: ضریب همبستگی بین دیپلماسی شهروندی و زیر شاخص‌های مشارکت سیاسی

زیر شاخص‌های مشارکت سیاسی با تأکید بر تعاملات رسانه‌ای	مؤلفه‌ها	دیپلماسی شهروندی
شدت مشارکت	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۲۹۳
	سطح معناداری	۰/۰۰۱
شیوه مشارکت	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۳۹۴
	سطح معناداری	۰/۰۰۱
کیفیت مشارکت	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۵۳۷

بر این اساس، بین دیپلماسی شهروندی و تمام شاخص‌های مشارکت سیاسی با تأکید بر تعاملات رسانه‌ای رابطه معناداری وجود دارد و رابطه بین دیپلماسی شهروندی و مشارکت سیاسی زنان با تأکید بر تعاملات رسانه‌ای معنی‌دار است.

جدول ۴: ضریب همبستگی بین تصویر مطلوب و مثبت و مشارکت سیاسی

مؤلفه‌ها	مشارکت سیاسی	
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۳۲۶	تصویر مطلوب و مثبت از کشور
سطح معناداری	۰/۰۰۱	
تعداد	۳۸۴	

جدول ۵: ضریب همبستگی بین حس تفاهم و مشارکت سیاسی

مؤلفه‌ها	مشارکت سیاسی	
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۱۲۶	حس تفاهم و دستیابی به ارزش‌های مشترک
سطح معناداری	۰/۰۱۳	
تعداد	۳۸۴	

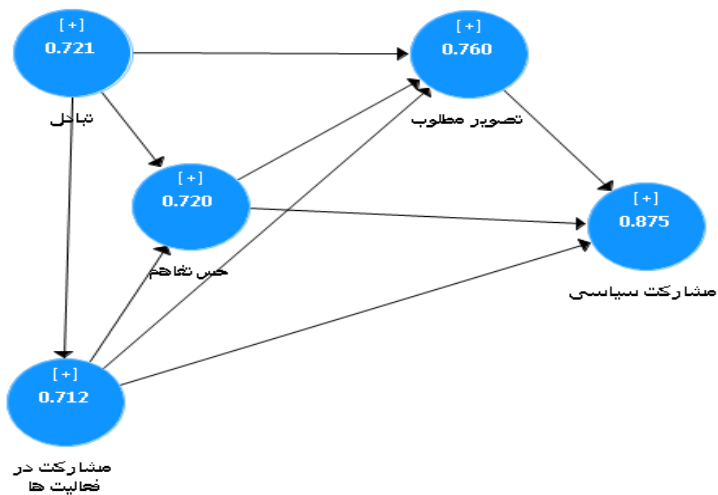
جدول ۶: ضریب همبستگی بین مشارکت در فعالیت‌های صلح‌طلبانه

و حل تعارضات و مشارکت سیاسی

مؤلفه‌ها	مشارکت سیاسی	
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۴۲۱	مشارکت در فعالیت‌های صلح‌طلبانه و حل تعارضات
سطح معناداری	۰/۰۰۱	
تعداد	۳۸۴	

بر اساس ضرایب همبستگی در جداول فوق، بین تمام متغیرهای فرعی و متغیر وابسته، یعنی مشارکت سیاسی با تأکید بر تعاملات رسانه‌ای رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین بین ارائه تصویری مثبت و مطلوب از کشور و مشارکت سیاسی زنان با تأکید بر تعاملات رسانه‌ای با سطح معنی‌داری $R = ۰/۳۲۶$ و $۰/۰۰۱$ رابطه مثبت، متوسط و معنی‌دار وجود دارد. همچنین بین حسن تفاهم و دستیابی به دیدگاه‌ها و ارزش‌های مشترک در مشارکت سیاسی زنان با تأکید بر تعاملات رسانه‌ای با سطح معنی‌داری $R = ۰/۱۲۶$ و $۰/۰۱۳$ رابطه مثبت، ضعیف و معنی‌داری وجود دارد و بین مشارکت در فعالیت‌های صلح‌طلبانه و حل تعارضات در مشارکت سیاسی زنان با سطح معنی‌دار $۰/۰۰۱$ و $R = ۰/۴۲۱$ رابطه مثبت، متوسط و معنی‌داری وجود دارد.

به منظور سنجش میزان تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر وابسته از معادلات ساختاری استفاده گردیده است.

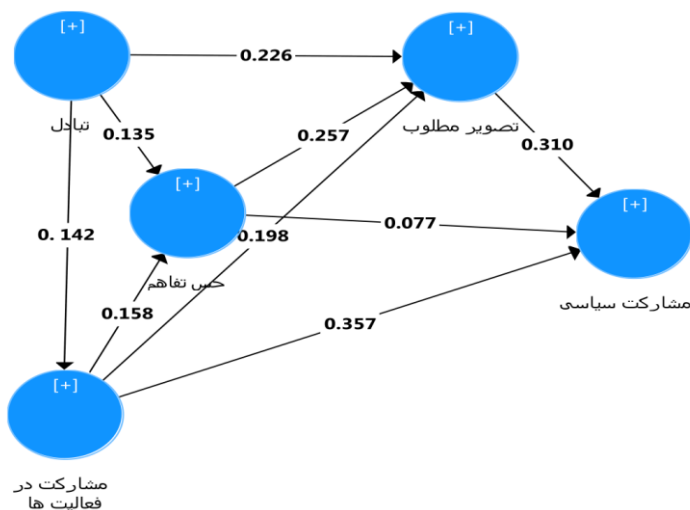


نمودار ۱: تحلیل مسیر

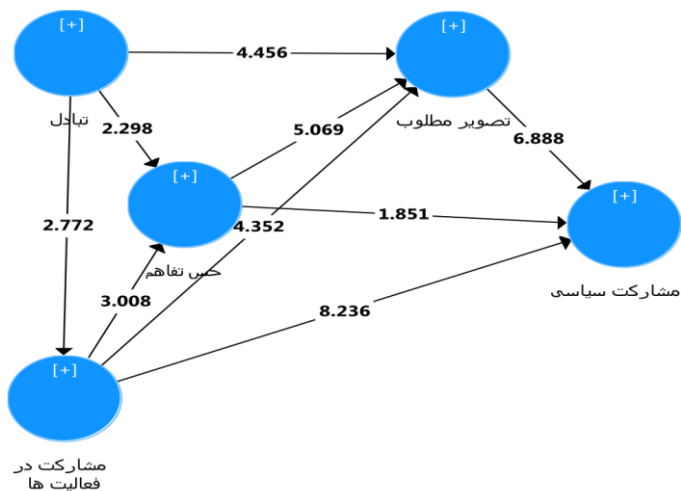
جهت حصول اطمینان از قابلیت اطمینان سؤالات، کلیه بار عاملی سؤالات باید بزرگ‌تر از $0/3$ و با قابلیت اطمینان 95 درصد مورد تأیید قرار گیرند. پرسش‌هایی که بار عاملی آن‌ها کمتر از $0/3$ یا آماره t آن‌ها بین $1/96$ تا $-1/96$ باشد باید حذف گردند.

با توجه به نمودار فوق، در تمام سؤالات تحقیق میزان بار عاملی در سطح معناداری 95 درصد بوده و بنابراین قابلیت اطمینان سؤالات مدل قابل تأیید است.

در ارزیابی ضرایب مسیر بین متغیرهای پنهان مدل از طریق بررسی دو بخش ضرایب t و ضرایب مسیر (β) صورت گرفته است. بر این اساس متغیر حسن تفاهم و دستیابی به دیدگاه‌های مشترک با توجه به اینکه در همبستگی پیرسون معناداری ضعیفی با مشارکت سیاسی داشت، در ارزیابی ضرایب مسیر به‌عنوان فرضیه فرعی دوم رد می‌شود.



نمودار ۲: ضرایب مسیر مدل تحقیق



نمودار ۲: قدر مطلق مقادیر t مدل تحقیق

در جدول زیر نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق نمایش داده شده است:

جدول ۷: یافته‌های آزمون فرضیات فرعی اول تا سوم تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد

نتیجه	β	t	فرضیات	
تأیید فرضیه	۰/۴۲۶	۷/۲۲۹	دیپلماسی شهروندی در مشارکت سیاسی زنان با تأکید بر تعاملات رسانه‌ای تأثیرگذار است.	فرضیه اصلی
تأیید فرضیه	۰/۳۱	۶/۸۸۸	ارائه تصویری مثبت و مطلوب از کشور در مشارکت سیاسی زنان با تأکید بر تعاملات رسانه‌ای تأثیرگذار است.	فرضیه فرعی ۱
رد فرضیه	۰/۰۷۷	۱/۸۵۱	حسن تفاهم و دست یابی به دیدگاه‌ها و ارزش‌های مشترک در مشارکت سیاسی زنان با تأکید بر تعاملات رسانه‌ای تأثیرگذار است.	فرضیه فرعی ۲
تأیید فرضیه	۰/۳۵۷	۸/۲۳۶	مشارکت در فعالیت‌های صلح‌طلبانه و حل تعارضات در مشارکت سیاسی زنان با تأکید بر تعاملات رسانه‌ای تأثیرگذار است.	فرضیه فرعی ۳



بر این اساس می‌توان گفت که دیپلماسی شهروندی در مشارکت سیاسی زنان با بتای (۰/۴۲۶) و ارائه تصویری مثبت و مطلوب از کشور در مشارکت سیاسی زنان با بتای (۰/۳۱۰) و مشارکت در فعالیت‌های صلح‌طلبانه و حل تعارضات در مشارکت سیاسی زنان با بتای (۰/۳۵۷) تأثیرگذارند و به لحاظ آماری حسن تفاهم و دستیابی به دیدگاه‌ها و ارزش‌های مشترک در مشارکت سیاسی زنان تأثیرگذار نیست.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

یکی از شاخص‌های مهم سیاسی در هر جامعه‌ای، مشارکت سیاسی است. این مفهوم به‌طور قابل ملاحظه‌ای با دموکراسی رابطه دارد. از دیدگاه اندیشمندان توسعه سیاسی پس از توسعه اجتماعی و اقتصادی شکل می‌گیرد و بنابراین مشارکت سیاسی نیز به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های قابل توجه این مفهوم، از این موضوع مستثنا نیست. مشارکت سیاسی از عوامل اجتماعی مختلفی تأثیر می‌پذیرد که می‌توان از دیپلماسی شهروندی به‌عنوان یکی از آنان نام برد. در دیپلماسی شهروندی، شهروندان از حق برقراری ارتباط با شهروندان جوامع دیگر برخوردار هستند تا بتوانند به دیدگاه‌های مشترک برسند و یا تأثیرات نامطلوب ناشی از سیاست‌های خارجی نادرست برخی دولت‌ها را از بین ببرند. دیپلماسی شهروندی مفهومی نسبتاً جدید و کمتر پرداخته شده در مباحث مختلف به‌خصوص در کشور ماست و با وجود گسترش و کاربرد آن در زندگی انسان‌ها کمتر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. به‌طور کلی ارتباط کلامی، و تبادل اطلاعات در جهت دستیابی به تفاهم و اجماع در برخورد نزدیک انسان‌ها از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است که فقدان آن به لطف رسانه‌های جمعی کمتر احساس می‌شود. امروزه شهروندان یک جامعه در ارتباط با یکدیگر و شهروندان دیگر جوامع راه‌ها و امکانات بیشتری نسبت به گذشته پیش رو دارند. می‌توان گفت، این امکان و اقبال را مدیون وسایل ارتباط جمعی هستیم. امروزه شاهد گسترش وسایل ارتباط جمعی و کاربردهای گوناگون آن در زمینه‌های مختلف زندگی بشر هستیم. گرچه ممکن است رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی گاهی اوقات نقشی مخرب نیز ایفا کنند، اما به هیچ‌عنوان رسالت آنان در آگاه‌سازی و ارتباط انسان‌ها در جهت دستیابی به چشم‌اندازهای نوین زیر سؤال نخواهد رفت. مردم جوامع گوناگون زمانی که شانس روبه‌رو شدن با یکدیگر را نداشته باشند به آسانی می‌توانند با کمک رسانه‌های



جمعی با انسان‌هایی فرسنگ‌ها دورتر و با سبک زندگی و فرهنگی متفاوت ارتباط کلامی ایجاد کنند. شاید این موضوع موجب بروز اختلافاتی نیز باشد، اما بی‌شک بسیاری از سوءتفاهمات و اختلافاتی که ناشی از عدم ارتباط گروه‌هایی از مردم است، از میان برداشته می‌شود. تفاهم و تبادل اطلاعات گوناگون می‌تواند بر مقوله‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اثرگذار باشد. یکی از مفاهیمی که از این‌گونه ارتباطات و تبادلات تأثیر می‌پذیرد، مشارکت سیاسی است. در این میان، زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت و همچنین با توجه به گسترش و اهمیت فعالیت‌های مختلفی که امروزه در جوامع عهده‌دار می‌باشند، قادر خواهند بود با آگاهی و تبادل اطلاعات سهم عظیمی در مشارکت سیاسی و روشنگری سیاسی خود و جامعه ایفا کنند. در این پژوهش بین دیپلماسی شهروندی و مشارکت سیاسی زنان، به‌عنوان فرضیه اصلی تحقیق رابطه معناداری به وجود آمد. به‌طور کلی میانگین هر دو متغیر در حجم نمونه متوسط بود. همچنین نتایج نشان‌دهنده همبستگی معنادار بین ارائه تصویر مطلوب و مثبت از کشور با مشارکت سیاسی است. بر اساس دیدگاه ملیسن دیپلماسی شهروندی را فعالیت‌هایی در زمینه‌های تبادل اطلاعات، آموزش و فرهنگ با هدف آشنایی بیشتر ملت‌ها به‌ویژه، ملت‌های درگیر اختلاف و به‌منظور حسن تفاهم و دستیابی به دیدگاه‌ها و ارزش‌های مشترک میان آنان است تا به این وسیله، بتوان علاوه بر ایجاد تصویری مطلوب از کشور متبوع خود در افکار عمومی، در نهایت بتوان جهت‌گیری‌های سیاسی سایر کشورها نسبت به یکدیگر تأثیرگذار باشد. در پژوهش انجام شده، بین حسن تفاهم و دستیابی به ارزش‌های مشترک و مشارکت سیاسی زنان رابطه معناداری حاصل شد اما این رابطه ضعیف ارزیابی شد. می‌توان رابطه ضعیف بین این دو متغیر را، ناشی از اختلافات و شکاف‌های موجود سیاسی عنوان کرد. زنان نیز به‌عنوان نیمی از اعضای این جامعه و به‌عنوان درصد قابل توجهی از نیروی شاغل در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اقتصادی، سیاسی و ... از این تضادها و عدم یکپارچگی ارزشی تأثیر گرفته و می‌توان بازتاب آن را در جمع‌آوری داده‌های موجود و در نتیجه در آماره‌ها مشاهده کرد. این نتیجه را می‌توان در پژوهشی که توسط حاجی‌زاده در سال ۹۴ انجام شده است مشاهده کرد. محقق با بررسی تأثیر متغیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت سیاسی زنان به این نتیجه دست یافته است که بین اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان رابطه معناداری وجود ندارد. شاید بتوان گفت یکی از علل این دو نتیجه تقریباً مشابه به علت عدم دستیابی افراد جامعه به نقطه نظرها و ارزش‌های مشترک و عدم اجماع آنان در مسائل مختلف و در نتیجه شکاف ارزشی و متعاقباً عدم اعتماد اجتماعی افراد نسبت به

یکدیگر باشد. تفاهم و شکاف‌های ارزشی می‌تواند در کاهش مشارکت سیاسی تأثیرگذار بوده و حتی رابطه این دو متغیر را تحت تأثیر قرار دهد.

نتایج به دست آمده نشان‌دهنده تأیید رابطه معناداری بین مشارکت در فعالیت‌های صلح‌طلبانه و حل تعارضات با مشارکت سیاسی زنان شهر تهران است. بابلا معتقد است فعالیت‌های دیپلماسی نوع دوم که برای دفع تعارضات و تقویت گفت‌وگوهای صلح به کار می‌رود، بر مشارکت شهروندان دیپلمات تکیه دارد. بنا بر دیدگاه مونتویل دیپلماسی شهروندی به مذاکرات غیررسمی شهروندان برای رسیدن به یک راه حل رسمی در جهت جلوگیری از یک برخورد قریب‌الوقوع (منازعه پیش‌رونده) اطلاق می‌شود. بنا بر نتایج پژوهش سجادی‌پور هدف میان‌مدت دیپلماسی مسیر دوم وادار کردن طرفین به شنیدن ایده‌ها و نظرات طرف مقابل است، تا از این طریق درک بهتری نسبت به دیگری پیدا کنند و برای تبادل نظر با یکدیگر بر سر راه حل‌های مشترک جهت برون رفت از منازعه توافق نمایند.

پیشنهادهای

با توجه به تأثیر مثبت مشارکت سیاسی بر توسعه اجتماعی و سیاسی هر جامعه و نقش عمده زنان به عنوان بخش قابل توجهی از افراد جامعه که می‌توانند در مشارکت سیاسی و تصمیم‌گیری‌های مختلف سیاسی و آینده سیاسی خود و دیگر افراد جامعه تأثیرگذار باشند، باید موانع مشارکت سیاسی زنان چه از جهت فرهنگ سیاسی جامعه و چه از جهت نگرش خود زنان نسبت به امور سیاسی و مشارکت سیاسی در همه سطوح رفته رفته از بین برود. در فرهنگ سیاسی جوامع در حال توسعه از آنجایی که سال‌هاست بیشترین مناصب سیاسی از آن مردان بوده است و زنان حتی تا سال‌ها از حق رأی برخوردار نبوده‌اند و با توجه به نقش تاریخی سنتی زن در جامعه، این‌طور به نظر می‌رسد که مشاغل و مناصب و امور سیاسی عمدتاً حرفه‌ای مردانه است و تنها زنان اندکی اقبال دستیابی به مناصب سیاسی را دارند. این فرهنگ سیاسی بر خود زنان جامعه نیز تأثیرگذار بوده است. این موضوع را محقق از تجربه زیسته و همچنین نحوه پاسخ‌گویی زنان به گویه‌های مربوط به مناصب سیاسی و در ادامه، صحبت با آنان در رابطه با عدم دستیابی یا عدم علاقه‌مندی آنان به مناصب و موقعیت‌های سیاسی دریافته است. همچنان که در پژوهشی که توسط چابکی در سال ۱۳۸۲ با عنوان «مشارکت سیاسی و جنسیت: بررسی مقایسه‌ای مشارکت سیاسی دانشجویان پسر و دختر در تهران» انجام شده،

محقق به این نتیجه رسید که زنان علاقه‌مندی سیاسی کمتری در مقایسه با مردان دارند و فعالیت‌های سیاسی آنان کمتر از مردان، جنبه فعالانه دارد. بینش سیاسی زنان بیش از مردان تحت تأثیر خانواده شکل می‌گیرد و بر این اساس زنان دیرتر از مردان توجه به مسائل سیاسی را آغاز می‌کنند. همان‌طور که ذکر شد، فرهنگ سیاسی عدم ایجاد فرصت‌ها و انگیزه‌های لازم در زنان به مسائل و امور سیاسی در نتایج این پژوهش مشخص شده است. با بررسی نظریات اندیشمندان در این رابطه نیز در می‌یابیم که بنابر نظریه میلبراث و گونل محیط اجتماعی و سیاسی که از عوامل تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی است، از طریق زمینه سیاسی و فرهنگ سیاسی شهروندان، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی به وجود می‌آورد که می‌تواند بر مشارکت سیاسی تأثیرگذار باشد. همچنین اینگلهارت مشارکت را با سه عامل ارتقای سطح تحصیلات و اطلاعات سیاسی، تغییر هنجارهای حاکم بر مشارکت و تغییر در اولویت‌های ارزشی، که تأکید کمتر بر نیازهای آنی طبیعی داشته و بر حق ابراز نظر پافشاری بیشتری می‌ورزند، تبیین کرده است. در این راستا متغیرهای تحصیلات رسمی، موقعیت اجتماعی اقتصادی، سطح مهارت و اطلاعات، مهارت‌های ارتباطی، تجربه‌های شغلی و شبکه‌های سازمانی بر افزایش مشارکت تأثیرگذار می‌باشند (لهسایی زاده، ۱۳۸۸: ۱۴۱). بر این اساس ضرورت ایجاد انگیزش در راستای مشارکت سیاسی و فرصت‌های برابر برای زنان جامعه در برخورداری از موقعیت‌های سیاسی تأثیرگذار بیشتر، ابتدا باید از نظام آموزشی و فرهنگ‌سازی مناسب‌تر صورت پذیرد. این فرهنگ‌سازی در چرخه‌ای رو به تعالی می‌تواند اثرات مطلوبی بر خانواده و پس از آن بر جامعه بگذارد. به عقیده محقق این مهم حتی طبیعت مادری و مراقبت از فرزندان را زیر سؤال نخواهد برد، بلکه واضح است زنانی که تحصیلات، مطالعات و آگاهی سیاسی و اجتماعی بالاتری دارند و به‌عنوان عضوی فعال در جامعه آگاهانه انتخاب و عمل می‌کنند، خواهند توانست فرزندان آگاه‌تری پرورش دهند. یکی دیگر از راهکارها، گسترش سازمان‌ها و انجمن‌های داوطلبانه و غیردولتی بیشتری است که زنان بتوانند به آسانی در آن‌ها عضویت و مشارکت داشته باشند. از آنجایی که به عقیده محقق شاخص‌های مختلف دیپلماسی شهروندی در توسعه مشارکت سیاسی زنان تأثیرگذار بوده و در یافته‌ها نیز رابطه معناداری آن‌ها نشان داده شده است، می‌توان در جهت دستیابی زنان به ارزش‌های مشترک و حسن تفاهم با دیگر اعضای جامعه، جهت ترغیب و تشویق زنان در جهت تبادل و تسهیم اطلاعات با دیگر اعضای جامعه برنامه‌های مختلف فرهنگی و آموزشی در راستای زنان و خانواده در سازمان‌های دولتی و غیردولتی، در شهرها و همچنین روستاها و مناطق کم‌جمعیت انجام شود؛ چرا که همه ما اعم از زنان و به‌خصوص مردان



جامعه که هم اکنون بیشترین مناصب دولتی و غیردولتی تأثیرگذار در تصمیم‌گیری‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و غیره را بر عهده دارند، در مقابل این موضوع مهم و تأثیرگذار در توسعه سیاسی و اجتماعی کشورمان مسئولیم.

فهرست منابع

- آستین، رنی (۱۳۸۴). *حکومت: آشنایی با علم سیاست*، ترجمه لیلا سازگار، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- آلموند، گابریل؛ بینگهام، پاول (۱۳۷۵). *جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی*، ترجمه علیرضا طیب، مجله سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۱۴-۱۱۳.
- پالیزان، محسن (۱۳۹۰). *بررسی میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن*، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، شماره ۲.
- پناهی، محمد حسین (۱۳۸۸). *فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی زنان*، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی و ارتباطات، زمستان ۱۳۸۸.
- پیشگاهی فرد، زهرا؛ زهدی گهرپور، محمد (۱۳۸۹). *بررسی جایگاه و نقش زنان دیپلمات خاورمیانه در مشارکت سیاسی*، فصلنامه زن و جامعه، دوره ۱، شماره ۱.
- چابکی، ام البنین (۱۳۸۲). *مشارکت سیاسی و جنسیت: بررسی مقایسه‌ای مشارکت سیاسی دانشجویان دختر و پسر*، فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی، شماره ۴۵.
- دال، رابرت (۱۳۷۸). *درباره دموکراسی*، ترجمه حسن فشارکی، تهران: شیرازه.
- دال، رابرت (۱۳۷۴). *تجزیه و تحلیل جدید سیاست*، ترجمه حسین مظفریان، تهران: مردنیز، چاپ اول.
- راش، مایکل (۱۳۷۷). *جامعه و سیاست*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، سمت.
- رضایی، مهدی (۱۳۷۵). *مبانی جامعه‌شناسی شهری*، نشر آوا، چاپ اول، تهران.
- سجادیپور، محمدکاظم (۱۳۹۳). *بایسته‌ها در مدل ارزیابی تکنیک دیپلماسی مسیر دوم*، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۳.
- سلیمی، رضا (۱۳۹۲). *روابط بین‌الملل و دیپلماسی صلح در نظام متحول جهانی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
- سید امامی، کاووس (۱۳۸۶). *مشارکت سیاسی دانشجویان: ارزیابی برخی از پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت سیاسی*، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، شماره شش.
- شائی برزکی؛ اکبری، بهارستان (۱۳۹۲). *تحلیل تأثیر هوش هیجانی و رفتار شهروندی سازمانی بر رفتار سازمانی*، فصلنامه فرایند مدیریت و توسعه، زمستان ۹۲، شماره ۸۶.
- شمس‌آبادی، علی (۱۳۹۷). *بررسی مقایسه‌ای دیپلماسی شهروندی آمریکا و ایران*، فصلنامه سیاست، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۷، صص ۹۱-۱۰۸.



- قاسمی، حاکم (۱۳۹۳). *عوامل محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان*، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دهم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۳.
- کرمی، رضا (۱۳۹۹). *مدیریت چالش‌های امنیتی در جنوب غرب آسیا (مطالعه موردی افراط‌گرایی مذهبی)*، فصلنامه امنیت ملی، دوره ۱۰، شماره ۳۵.
- کیا، علی اصغر (۱۳۹۲). *دیپلماسی شهروندی و فعالیت دیپلماتیک شهروندان تهرانی در فضای مجازی*، نشر علامه طباطبایی، تهران.
- لهسایی زاده، عبدالعلی؛ باور، یوسف (۱۳۸۸). *نگرش دانشجویان نسبت به مشارکت سیاسی زنان*، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۱۹.
- محمدی فر، نجات؛ شهرام نیا، مسعود؛ مسعودنیا، حسین؛ حاتمی، عباس (۱۳۹۶). *بررسی رابطه میان استیفای حقوق شهروندی با نوع مشارکت سیاسی در بین زنان شهر اصفهان*، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۸، شماره ۲.
- میلبراث لستر، گوئل لیل (۱۳۸۶). *مشارکت سیاسی*، مترجم سید رحیم ابوالحسنی، تهران، میزان، چاپ اول.
- نجفی، محمد جواد؛ شهبازی، مظفرالدین (۱۳۹۹). *بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر کرمانشاه*، جامعه‌شناسی سیاسی ایران تابستان، شماره ۱۰ علمی-پژوهشی (وزارت علوم).
- وثوقی، منصور؛ صیامیان گرجی، زهرا؛ باصری، علی؛ قدیمی، بهرام؛ ساروخانی، باقر (۱۳۹۹). *تحلیل کیفی تأثیر عوامل فرهنگی اجتماعی و انگیزشی بر مشارکت سیاسی زنان شهر تهران*، پژوهش اجتماعی، پاییز - شماره ۴۸ علمی-پژوهشی (وزارت علوم).

References

- Dawson, J (2011) “Thescop Of Poitical Participation” Journal Of Community Development.
- Fraser, Robin (2012), "Track Two Diplomacy- a Distinct Conflict Intervention Category", (MA Thesis, University of Victoria.
- Chigas, Diana, Burgess Heidi, Malek Cate (2003), Citizen Diplomacy Based on a longer essay on Track II / Citizen Diplomacy, written by Diana Chigas for the Intractable Conflict Knowledge Base Project.
- Melissen, Jan. (2005). Wielding Soft Power: The New Public Diplomacy. Netherlands: The Netherlands Institute Of International Relation.
- Patterson, David (2008). The Search for Negotiated Peace; Women Activism
- Citizen Diplomacy In World War 1, Routledge.